پیکار خلق ضمیمه ۲۲

ارتجاع سرکوب میکند

خلق کرد میرزمد

گروه انقلابیون مارکسیست لنینیست

ازدورانی که انقلاب ناتمام خلقهای میهنمان و بقدرت رسیدن حاکمان جدید با ترکیب خرده بورژوازی راست، بورژوازی لیبرال، عناصر رژیم گذشته و وابسته با امپریالیسم، فئودالها و خانها، آزادی مفهوم طبقاتی خویش را یافت. آزادی توطئه منافع امپریالیستها داده شد و آزادی برای پرورش تفکر انقلابی و آزادیخواهی و ضد امپریالیستی بازستانده شد. قیام خونین بهمن ما ضربات گیج کننده و محکمی بر امپریالیستها و حامیان داخلی اش وارد کرد. فئودالها و خانها که زمانهای طولانی را بنوکری امپریالیسم و رژیم پهلوی بسر آورده بودند، هرکدام گوشه احتیاطی را برگزیدند. لیکن دیری نپائید که با پشتیبانی کمیته ها و پاسداران "انقلاب" دوباره سروکله شان در روستاها پیدا شد. این بار آنها با اسلحه هائیکه شماره مخصوص ارتش را دارا بود بروستائیان حمله ور شدند موجب بسیاری دهقانانیکه از زمینهایشان رانده شدند و عده بسیاری که مقاومت پیشه کردند. نمونه این اعمال جنایتکارانه را در جریان بیرون راندن دهقانان "ترکور"، "مرگور"، "سوما برادوست" و "شاپور" شاهد بودیم. این دهقانان آواره چند روزی را بحالت تحصن در ارومیه گذراندند و نه تنها به خواستهای بحق آنان که برگشتن بسر زمینهایشان بود پاسخی داده نمیشد بلکه با تحریکاتی که از طرف کمیته "انقلاب" ارومیه برهبری ملا حسنی مرتجع ((خود فئودال و از پشتیبانان خانهاست)) میشود آنها را بمهر "ضد انقلابی" ممهور کرده بود. دهقانان را تحریک شده از طرف کمونیستها مینامند و سعی میشود که آنها را از هم پراکنده سازند. خانها و فئودالها و عناصر مرتجع و ساواکی نه فقط قدرت خود را در کمیته ها مستحکم کردند، بلکه کوشیدند با کمک فرماندهان ارتشی چون ظهیرنژاد فرمانده لشکر ۶۴ ارومیه، وارد یک طرح ریزی دقیق برای درهم کوبی خلق کرد که خواستار خودمختاری در ایرانی آزاد و مستقل بودند، شوند. بنابراین دستگاه تبلیغاتی ارتجاع جهت زمینه چینی این سرکوبی بکار افتاد. در این میان رادیو تلویزیون در پخش اکاذیب و برچسب زدن به انقلابیون کرد بعنوان "دستیاران امپریالیسم ـ صیهونیسم" و "تجزیه طلب"، نقش بسزا بازی کرد. این تبلیغات زهرآگین درست زمانی بوقوع میپیوندد که "دولت موقت" این دست آموز سازمانهای جاسوسی سیا ـ موساد ـ میت آزادانه بخرابکاری و تحریک و ... دست میزنند. این در زمانیست که ایادی شاه سابق و وابستگان امپریالیستها در کردستان زیر چتر حمایت کمیته های "انقلاب" کانونهای توطئه چینی چون سایر نقاط ایران ساخته اند و علیرغم هشدارهای فراوانی که نیروها و سازمانهای مترقی داده بودند و پرده از روی این نقشه های شیطانی برمیدارند. حاکمان جدید نه تنها به این هشدارها وقعی نمی نهند بلکه ارتش جمهوری اسلامی را برای سرکوبی خلق کرد روانه کردستان میسازند و بدین ترتیب آب به آسیاب نقشه های امپریالیستها میریزند. چمران معاون نخست وزیر که دارای سوابق توطئه چینی بسیار علیه خلق فلسطین میباشد و حتی در نبرد "تل زعتر" در ارتباط با گروه امل و همراه با نیروهای دست راستی مسیحی و مزدوران اسرائیلی دستش بخون هزاران فلسطینی آغشته است و قصد ساختن لبنانی دیگر از ایران دارد، بکردستان میفرستند و مسئولین امور در "شجاعت" وی کرد و جات تبلیغاتی وسیعی براه انداخته اند. لیکن "شجاعت" چمران در جنایتهائیست که در منطقه مرتکب شده است؛ او زمانیکه کودکان و زنان منطقه برای جلوگیری از حرکت ارتش به طرف مهاباد (درجاده) نشسته بودند، وحشیانه همه را به رگبار گلوله میبندد و تعداد بیشماری را بقتل میرساند. حتی در تماس تلفنی که با سقز برقرار میکند با شوخی تمام اظهار میدارد که ولی از کشتار انقلابیون و کمونیستها باکی ندارد و اگر لازم شد تمام کردستان را بمباران خواهد کرد. چگونه شخصی مانند چمران با چنین سوابق سوئی میتواند ادعای "مبارزه" علیه امپریالیسم ـ صیهونیسم را بنماید در حالیکه مزدوران "دولت موقت" را میهمانان ایران میخواند و به آنها خیرمقدم میگوید؟ حاکمان کنونی فقط بفرستادن ارتش و چمران به منطقه کردستان اکتفا نکرده اند. آنها بدنبال توطئه های خود شیخ صادق خلخالی را هم جهت کشتار خلق کرد مأمور کردند. ولی آیا میدانید که این "حاکم شرع" با چه کسانی در کردستان همکاری میکند؟ بد نیست بچند نفر توجه کنیم: در جریان دستگیریهای سقز، برخی از اعضای "مکتب قرآن" که با پاسداران همکاری مینمودند و نیروهای مترقی را لو میدادند بوسیله کردهای مبارز شناسائی شده بودند که بخلق سپرده شدند. این عده از اوباشان معروف شهر میباشند. اسامی آنها چنین است: عباس راننده معروف به عباس تیلکوبی، منصور بلوری، حسین احمدی (همه از چاقوکشان شهر هستند)، رحمان کیانی، حاج عبدالقادر رهبری عضو سابق انجمن شهر و رئیس بخش اصناف حزب ایران نوین و رستاخیز، عطاءالله پسر کاک بایزید، محمد خوشحالی عضو ساواک و از اعضاء برجسته حزب رستاخیز در سقز، مسعود طلوعی مسئول "مکتب قرآن"، محمد طلوعی و همچنین ملا محمد شیخ الاسلامی ساواکی معروف و ملا حسن ادیبی که از زمان شروع جنبش مخفی شده بود بدنبال اشغال سقز بدست پاسداران بازگشته است. اینها هستند کسانی که شیخ خلخالی به همکاری با آنان "افتخار" میکند. خلخالی جسد اعدام شدگان مریوان که نام برادران فواد سلطانی معروف بودند را بدست شیخ عبدالقادر زکهنمونی، ساواکی سابق و عضو کنونی "مکتب قرآن" داده و وی با "تیراس" سرهر دو را از بدن جدا میکند. شیخ خلخالی حتی بنوجوان دوازده ساله ای بنام آذرکشب دارابی و سیف الله بغیضی چهارده ساله هم رحم نکرده و آنها را تیرباران میکند. اعضای شورای شهر که با رأی آزاد مردم انتخاب شده اند دستگیر و بزندان می اندازد. از جمله خانم فریده قریشی (از اعضاء مترقی شورای شهر سنندج) که حامله بود و سقط جنین میکند و جسد کودکش در انتظار آنها باشد. ارتشیان میهن پرست را که حاضر به برادرکشی نمیشوند با زدن انگ "ضد انقلابی" دستگیر و بجوخه اعدام میسپارد. تحصن خانواده هائی که فرزندانشان زندانی شده بودند را به خاک و خون میکشد. مردم سنندج را که در تشییع جنازه اقبال شادی مقدم به تظاهرات دست زده بودند و خواهان آزادی زندانیان سیاسی کرد و خروج بی قید و شرط پاسداران بودند، با یک اشاره وی قتل عام میکنند. پس از این همه کشت و کشتار ظاهرا "عفو عمومی" را اعلام مینماید. در حالیکه درست در همین زمان پاسداران به مردم میگویند که "خط سور" میشوند و چون معلولین و کودکان و پیر و جوان را زیر مسلسل میرانند. حتی بیمارستانهای زنان را [illegible] سازند. هنگامیکه شیخ خلخالی در جلسه ای که از [illegible] شهر مهاباد [illegible] است، جوانی در کمال شجاعت رودر روی وی می ایستد و میگوید که از طرف مردم مهاباد و حومه قطعنامه ای است و سپس شروع به خواندن مواد قطعنامه میکند:

در این بین، جوانی از بین جمعیت برخاست و گفت: از طرف مردم مهاباد و حومه، قطعنامه‌ای صادر شده است.

خلخالی گفت: تعداد امضای زیر قطعنامه چقدر است؟

جوان پاسخ داد: امضاء ندارد.

خلخالی گفت: آیا از طرف مردم مهاباد و حومه، وکالت نامه دارید، پاسخ شنیده‌ندارم. خلخالی گفت:

قطعنامه را بخوانید: جوان قطعنامه را قرائت کرد:

ماده یک: به‌رهبران مذهبی و سیاسی کرد که خون‌آنها، باخون ملت کرد یکی‌است، هیچ گونه توهین نشود.

ماده ۲: مجاهدین، حق ورود بشهر ودهات اطراف کردستان و مناطق کردنشین را نداشته باشند.

ماده ۳ـ عفو عمومی برای تمام ملت کرد که شامل‌سران حزبی هم باشد.

قبول نداریم

خلخالی در پاسخ این سه ماده اظهار داشت:

ما، عزالدین حسینی و قاسملو را بعنوان سران‌کرد، قبول نداریم. مجاهدین نیزبه همه‌جا، خواهند رفت.

جوان، قطعنامه را ادامه داد:

ماده ٤ـتشکیل نشدن‌دادگاه های انقلابی در مهاباد.

خلخالی گفت: ممکن نیست دادگاه باید وظیفه خود را انجام دهد.

ماده دیگر قطعنامه قرائت شد:

ماده ٥ـ آزادی برادران‌کرد که درمهاباد دستگیر شده‌اند.

خلخالی پاسخ داد: آنها که ضد خلقی بوده‌اند، اگر توبه کنند، مشمول‌عفوخواهند شد و آنهائیکه از سران هستند حساب دیگری دارند.

سپس ماده ٦ به شرح زیر قرائت شد: عفو عده‌ای از برادران ارتشی که در مهاباد خدمت میکرده‌اند و اکنون در پادگان ارومیه، زندانی‌هستند.

خلخالی پاسخ داد: ابدا قبول نداریم و طبق مقررات ارتش، با آنها رفتار می‌شود. ارتشی ها بفهمند وقتی از مردم حقوق‌می‌گیرند، باید بنفع مردم خدمت کنند.

آنگاه ماده ۷قرائت شد: ازاعدام برادران کرد ارتشی درشهر سنندج جلوگیری‌شود.

خلخالی پاسخ داد: این خواست هم ممکن نیست و شما نباید این حرفها رابزنید، زیرا علما اینجا نشسته‌اند و اگر مسئله‌ای باشد، آنها مطرح خواهند کرد.

مهلت ٤٨ ساعته

جوانی که قطعنامه رامی‌خواند، گفت: پاسخ این‌هفت ماده را باید ظرف ٤٨ ساعت از رادیو و تلویزیون بدهید.

خلخالی گفت: پاسخ ها را همین حالا داده‌ام و دیگر احتیاج به ٤٨ ساعت مهلت نیست. ضمنا بگویم تظاهرات قدغن است وارتش پاسداران، همه جا هستند.

آرشیو اسناد سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر
www.peykar.org

خواستهای خلق کرد وموضع مرتجعانه حاکمان بقدری روشن است که ما را از هرگونه توضیح بیشتری بی نیاز میسازد .

با آنکه خلق کرد در تمام موضعگیریهایش از عدم جنگ یاد ولت سخن بمیان آورده و همیشه آمادگی خود را برای مذاکره اعلام کرده است اما هیأت حاکمه جدید تحت تأثیر طرحهای امپریالیستی جهت سرکوب خلق کرد هرگز گوش شنوا برای خواستههای بحق آنها نداشتهاند . خواسته ـ هائی که حتی از طرف استاندار کردستان بحق شناخته میشود و وی بوضوح میگوید که "آنها ضد انقلابی نیستند" . زمانیکه فرمانده پادگان سقز خواستههای خلق کرد را محقانه دانسته و دلیلی برای درگیری با مردم ندیده پاسداران اعتراض وارد مذاکره شد موضعی برای این دارد که آنها را بعد مجدداً خلع راه شهر و اد ارد . از طرف پاسداران دستگیر و بجرم همکاری با انحصارطلبان اعدام میکردند و سپس دستگاه تبلیغاتی انحصارطلبان بدروغ افراد مسلح کرد را متهم بکشتن فرمانده پادگان سقز میکند . بدنبال این عمل افسران و درجهداران پادگان سقز که از کشته شدن فرمانده خود بخشم آمده بودند اسلحههای خود را بمردم و انقلابیون "پیشمرگه" تحویل میدهند . قدرتمندان انحصارطلب نهتنها کمر همت بکشتار خلق کرد بستهاند بلکه هر کسی را که بنحوی نسبت بآنان ابراز پشتیبانی و حمایت نماید ، محکوم باعدام میکنند . خانهگردیهای شبانه در مناطق مختلف کردستان ، شناسائی و دستگیری انقلابیون کمونیست و . . . همه و همه بدین جهت است که اگر چنانچه آثاری از حمایت از مبارزه محقانه خلق کرد دیدند آنرا نابود سازند . اینان حتی از اعدام [illegible] ابائی نداشتند . این چنین اعمال شنیعی نهتنها از طرف میهن پرستان و انقلابیون میهنمان بدیده نفرت نگریسته میشود و محکوم است بلکه حتی کار بجائی رسیده است که صدای لیبرالها را هم درآورده است . مثلاً مقدم مراغهای در اعتراض بدولت میگوید "میگویند ارتش بوکان را تصرف کرد ، سردشت را تصرف کرد ، انقلاب ما برای تصرف نبود" نقل از روزنامه خلق مسلمان / شماره ۵ / ۱۸ شهریور . از این نمونهها بسیار میتوان یافت . قدرتمندان کنونی قیل و قال فراوانی براه انداختند تا حمله ارتش را بکردستان توجیه کنند ولی این قیل و قالها حتی از طرف کسانی چون شریعتمداری ، کسی که بدلیل اشتراک منافعش بهرحال به طریقی با حاکمان جدید زد و بند دارد ، مردود شناخته میشود . روزنامه خلق مسلمان که ناشر افکار شریعتمداری و یارانش است در همان شماره فوق الذکر مینویسد : "فرستاده خمینی ، آیت الله کرمانی ، خواستههای خلق کرد را برابر با موازین اسلامی دانسته است" و سپس در جواب بهویژه افزاید "اول آواره کن ـ بعد حرفها را بشنو . . . اول بسیج میکنند و مردم را در کوه و دشت آواره میسازند و بمباران میکنند و کشتار میکنند سپس تازه میفهمند که حرف این مردم و خواستههای آنان صد در صد معقول بوده است" . و بدین ترتیب "نارضایتیها" بر سر مسئله کردستان حتی در بین جناحهای حاکم آشکار میگردد . ولی خلق کرد بی توجه به این جنگهای زرگری و دعواهای خانوادگی همچنان بمبارزات خود ادامه داده و در مقابل حملات مقاومت پیشه میکند . چنانکه در یک درگیری که بین نقده و پیرانشهر در "قالاتان" روی داد ، فرود خان برادر رکن خسروی ساواکی معروف و یکی از عوامل جنگ نقده که خود از فئودالهای منطقه میباشد و از طرف ملاحسنی مسلح شده بود با ۷۰ نفر از افراد خود لباس کردی پوشیده و به سنگر پیشمرگان کرد حمله میکند ، پیشمرگان با این حملات جواب سختی داده و بین ۳ تا ۴ نفر از آنها را کشته و مجروح مینمایند . در این درگیری ۷ پیشمرگه نیز زخمی میشوند . و همچنین خانه بلک خاش (مزدور) را که از طرفداران ملا احمد مفتی زاده بود در سنندج منفجر میکنند . برای شهدای او و از جمله شهید سیف الدین ضیائی یاد بود برپا میکنند و در مقابل فیلمبرداری از تظاهرات فرمایشی در شهر او که افراد اجیر شدهای چون قاضی انصاری ضمن شعار علیه خلق کرد براه انداخته بودند عکس العمل شدیدی از خود نشان میدهند . خلق کرد همچنان خواستههایشان را پیگیری میکنند و آنرا شجاعانه در قطعنامه مهاباد که در آن اشاره رفت اعلام میدارند و آنچنان تنفری نسبت بعاملان قتل عام از خود ابراز میدارند که دستگاه تبلیغاتی رژیم برای ممانعت از تشدید این تنفر و خشم تعداد اعدام شدگان بوسیله دادگاه "عدل اسلامی" را که ۲۱ تن در مریوان بودهاند ۹ نفر اعلام میکند . این خشم و نفرت میرود که سرتاسر ایران را فرا گیرد چنانچه مردم در بعضی از شهرها از جمله شیراز و قزوین بدلیل محقانه بودن خواستهای خلق کرد خواستار بازگردانیدن فرزندان پاسدار خود از منطقه شدهاند . آنها شعار میدادند "ما فرزندانمان را برای سرکوبی پالیزبان و جافها فرستادیم نه برای سرکوبی کردها" قدرتمندان حاکم اگرچه توانستهاند با تبلیغات دروغین عدهای را فریب بدهند و برادرکشی را براه اندازند اما این امر دیری نخواهد پائید و در آیندهای نه چندان دور خلقهای ایران ، فارس و ترک و بلوچ و کرد و . . . متحد و یکپارچه سلطه امپریالیسم و عمال داخلی اش را نابود خواهند کرد . چه تا ظلم هست ، مبارزه و مقاومت هم هست .

مرتجعین برای درهم شکستن مقاومت خلق کرد منطقه را تحت فشار اقتصادی قرار داده و حتی به اکیپهای شیر و خورشید سرخ که حامل دارو ، مواد غذائی و سوخت (نفت ـ بنزین) میباشند اجازه ورود بشهر را نمیدهند و بدنبال تمام این تضییقات بمبارانهای هوائی ، شکستن دیوار صوتی ، پرتاب موشک و . . . بصورت کار روزمرهشان درآمده است . با هلیکوپتر بخانه و کاشانه خلق کرد حمله برده و آنها را آواره میسازند . به "کوه کانی شیخان" واقع در ۵ کیلومتری مهاباد حمله میکنند که ضمن اینکه بوسیله پیشمرگان یکی از دو هلیکوپترها مورد اصابت گلوله قرار میگیرد . در همین اثنا واحدهای نظامی روستاهای "کوسه کهریزه" ، "قره قشلاق" ، "داش ـ خانه" ، "کهنه ده" را بتوپ میبندند . در روستای "کهنه ده" در اثر انفجار گلوله توپ ۳ نفر کشته و ۴ نفر مجروح شدند . مردم این روستا خانه و کاشانه خود را ترک کردهاند . باید به کشتار وحشیانه کوشش قدرتمندان حاکم در جهت تضعیف روحیه انقلابی و مسموم کردن محیط بوسیله تعمیم انحرافات اخلاقی را نیز اضافه نمود . چنانکه کسانی مانند حجت الاسلام گلزار را بمنطقه مریوان اعزام مینمایند . وی کسی است که دارای سابقه انحراف اخلاقی میباشد و کلیه کسانیکه در سال ۴ در بندهای ۱۰ ، ۷ و ۸ زندان شماره ۱ قصر بودهاند خوب بخاطر میآورند که وی حتی در زندان نیز دست از اعمال کثیف خود برنداشته و قصد تجاوز بیک زندانی نوجوان را داشته است . ناگفته نماند که او باین نوجوان کتاب "نهج البلاغه" را تدریس میکرده است .

حال ببینیم که قدرتمندان حاکم که در بوق و کرنای تبلیغاتی خود "مبارزه علیه امپریالیسم ـ صهیونیسم" میدمند و با سرکوب مرتجعانه اخیر خلق کرد عملاً مجریان توطئههای امپر ـ یالیستی شدهاند مشترکاً چه نفعی از این سرکوبی میبرند ؟

۱ ـ امپریالیسم و ارتجاع داخلی وابسته بآن برای بدست آوردن مجدد منافعی که در جریان قیام خونین بهمن ماه از دست دادهاند و حفظ و تثبیت این منافع متحداً میکوشند هر صدای آزادیخواهانه و استقلال طلبانه را در نطفه خفه کنند . بهمین جهت بمحض بروز اولین حرکت محقانه خلق کرد در مقابل آن و بکمک ارتش ضد خلقی و پاسداران "انقلاب" صف آرایی کرده و قتل عام خلق کرد را براه انداختند (همچنانکه در خوزستان ، ترکمن صحرا و . . . شاهد آن بودهایم) و در این راستا نیز برای حمله به سرسخت ترین انقلابیون مبارز یعنی کمونیستها از پوشش اسلام بهره گرفته و با سوء استفاده از اعتقادات مذهبی خلقهای ایران سعی بر این دارند که با افشاندن تخم نفاق در صفوف متحد خلق حمایت مردم را از مبارزات خلق کرد و دیگر خلقها بکاهند تا بدینوسیله قادر به مستحکم کردن پایههای متزلزل خود گردند .

۲ ـ در کردستان نیروهای مترقی مذهبی و غیرمذهبی ، انقلابیون کمونیست و غیرکمونیست دست در دست هم برای کسب حقوق حقه خود میرزمند . دهقانان کرد برای مقابله با فئودالها دست بتشکیل اتحادیههای دهقانی زدهاند که دولت همکار امپریالیسم برای اینکه این نمونه نتواند در میهنمان همهگیر شود سعی در درهم شکستن آنها دارند زیرا بیمناکند که مبادا کانونهای مقاومت اینبار تمامی منافع آزمندانه آنان را بنیستی بکشانند . همچنین برای اینکه از پیوستن روستائیان کرد باینگونه اتحادیهها جلوگیری کند بکمک فئودالها اقدام بایجاد اتحادیههای عشایری نموده غافل از آنکه روستائیان کرد که کمرشان زیر بار ستم فئودالها خم شده است نه تنها به همزیستی در کنار فئودالها تن در نمیدهند بلکه برای درهم شکستن آن بعنوان یکی از مراکز ارتجاع قاطعانه مبارزه میکنند .

۳ ـ مرتجعین و حامیان امپریالیستیشان میکوشند مسئله ملی و طبقاتی را بطرق مختلف از هم جدا کنند و خلقها را فقط بمسئله ملی ، آنهم با انحراف کشیدن مسئله ملی ، مشغول نمایند تا فاقد رهبری طبقاتی نفی هر نوع استثمار انسان از انسان نگردند و تنها بنا به سوسیالیسم نیندیشند . اما عبث میکوشند زیرا خلق کرد با طرح مسئله "حق تعیین سرنوشت" نطفههای سوسیالیسم را در خود پرورانده و علاوه بر مبارزه علیه امپریالیسم و صهیونیسم در مقابل سرمایه داران وابسته و فئودالها نیز مصممانه ایستادگی و برای نابودی آن پیکار میکنند .

هموطنان ! هنوز چند ماهی از قیام خونین بهمن ماه نگذشته است که بار دیگر بوی باروت و خون فضای میهنمان را آلوده کرده است . حاکمان جدید بطرق میکوشند مبارزه خلقمان را علیه امپریالیسم و ارتجاع بفرسایش داده و از این راه راهها را برای مستحکم کردن پایههای متزلزل امپریالیسم هموار سازند . بدینجهت از امپریالیستهای رنگارنگ میخواهند که مانند گذشته در ایران سرمایهگذاری کنند و سرمایه داران وابسته فراری برای بازگشت با ایران تأمین مالی و جانی میدهد ، قراردادهای خرید اسلحه را که در زمان شاه سابق با امپریالیسم بویژه امپریالیسم آمریکا منعقد شده بود را پابرجا نگه میدارند و برای تقویت تسلیحات زمینه چینی مینمایند تا آنجا که پاسداران "انقلاب" در گوشه و کنار مملکتمان فریاد برمیآورند "ما را با سلاح مدرن مجهز کنید" . این همه تسلیحات را برای چه میخواهند ؟ پاسخ روشن است . برای آنکه سینههای مبارزین و انقلابیون را آماج گلولههای خونبار قرار دهند و در گوشههای دیگر وطنمان کشتار کردستان را تجدید کنند . دولت ضد انقلابی بازرگان جهت احیاء قرارداد تشکیل الجزایر با حکومتهای ارتجاعی چون رژیم فاشیستی عراق و ترکیه مذاکره مینشیند . همه این حرکات نمونه بارز توطئه چینی علیه خلق کرد و دیگر خلقهای میهنمان میباشند . اما خلق غیور کرد با جمع آوری اجساد شهدای بخون خفته خویش برهنه کردستان پرچم سرخ برخواهد افراشت و با گامهای مطمئن همدوش با تمامی خلقهای زحمتکش ایران در راه استقرار جمهوری دمکراتیک خلق بپیش خواهد رفت .

آرشیو اسناد سازمان پیکار در راه آزادی طبقهء کارگر
www.peykar.org